

کارگران! ای گورکنان سرمایه! با سواره نظام به میدان بیاید!

... چرا؟ چرا در قرن بیست و یکم، با این پشتوانه عظیم از علم و صنعت و اختراعات و اکتشافات و امکانات، این باید حال و روز بشر باشد؟ چرا میشود به کره ماه رفت، میشود زیر کانال مانس تونل زد، میشود از نیروی اتم برق گرفت، میشود آب شور دریا را شیرین کرد، اما نمیشود بر شوربختی و روزگار تلخ میلیارها انسان برای همیشه نقطه پایان گذاشت؟

... چرا مردم دنیا نمیتوانند درباره اینکه چه باید تولید کنند، چقدر باید تولید کنند، چقدر باید برای روز مبادا ذخیره کنند و محصولات را بدست چه کسانی برسانند مثل آدم تصمیم بگیرند و تصمیماتشان را عملی کنند؟ چرا بشر از انجام کار نقشه‌مندی که از عهده مورچگان بر میآید ناتوان است؟ چرا اراده آگاهانه انسانهای مرئی جای دستهای نامرئی، کور، آدمکش و ویرانگر بازار را نمیگیرد؟

صفحه ۲

پیام اول مه

مظفر محمدی

سرمایه داری جهانی يك اول مه دیگر و روز جهانی کارگر را از سر گذرانند. کارگران در هامبورگ باریگاد بستند. در برلین رییس پلیس را فراری دادند. در استانبول به جنگ خیابانی پرداختند. در لندن و استکهلم، مسکو و دیگر پایتخت های جهان، سرمایه داری را عامل بدبختی انسان نامیدند و در تهران و سئدج با سد سرکوب و هراس بورژوازی و دولتش مواجه شدند.

اول مه امسال بار دیگر هم صدایی و ابراز وجود طبقه کارگر، با سرود انترناسیونال و شعار "کارگران جهان متحد شوید"، آلتز ناتویو مارکس را تمام قد در مقابل سرمایه داری و همه تبعاتش قرار داد. بار دیگر تاکید شد که طبقه کارگر راهی جز توکل و توسل به مارکس برای رهایی خودش ندارد.

جامعه بشری بیش از هر زمان دیگر به برگشتن طبقه کارگر آگاه به راس مبارزات اجتماعی و انسانی و علیه ستم و سرکوب و استثمار و فقر و جنگ و تباهی کودک و ستمکشی زن، نیاز دارد.

هیچوقت جامعه بشری به اندازه امروز به مارکس و کمونیسم و سوسیالیسم و انقلاب کارگری نیاز نداشته است. هیچگاه توحش سرمایه داری و فضای ناامنی و ترس و جنگ و پایمال کردن حقوق انسان به این اندازه با شک و تردید و نفرت بشریت از نظام سرمایه داری و بازار آزاد و سیستم بردگی مزدی روبرو نبوده است.

طبقه کارگر در ابعاد جهانی نسبت به توحش و ناامنی جامعه توسط بورژوازی، خود آگاه است. اما با خودآگاهی و اتکا به تصمیم و اراده طبقاتی و متشکل و متحد و بلاواسطه برای به دست گرفتن سرنوشت خود هنوز فاصله دارد.

احزاب سوسیال دمکرات، لیبرالها و ملیون، طبقه کارگر را سیاهی لشکر بورژوازی میخوانند. اتحادیه های کارگری، سندیکالیست ها و اکونومیست ها معامله با بورژوازی برای بازگرداندن قطره ای از دسترنج طبقه کارگر را به خود او، جانشین انقلاب کارگری کرده اند.

طبقه کارگر همزمان با مبارزه برای رفهم و بهبودی در سطح معیشت و کار و زندگی به رجوع به مارکس، رجوع به اعتصابات بزرگ و سراسری، تظاهرات خیابانی و انقلاب کارگری نیاز دارد. سازماندهی طبقه کارگر برای این هدف برای فعالین سوسیالیست کارگری از نان شب واجب تر است.

اول مه در شهرهای ایران

علیرغم فضای اختناق و سرکوب و بستن همه راه ها برای برپایی مراسم و تجمع های کارگران در اول ماه مه، کارگران و فعالین کارگری تجمعات خود را در شهرهای مختلف از جمله تهران، شوش، سئدج و دیگر شهرهای ایران برپا کردند و بیانیه و قطعنامه هایی را در محکومیت سرمایه و استبداد بورژوازی صادر کردند.

در جریان مراسم های بزرگداشت اول مه در شهرهای ایران تعدادی از فعالین کارگری دستگیر شدند. آزادی فوری دستگیر شدگان خواست فوری طبقه کارگر و مردم آزادیخواه است.

صفحه ۵

مارش خیابانی

کارگران جهان

اول مه

۲۰۰۸

صفحه ۵



در صفحات دیگر میخوانید:

- در هفته حکمت چه باید کرد؟ ص ۶
- تجمع فرهنگیان بمناسبت روز معلم ص ۶
- تحسن دانشجویان دانشگاه سهند تبریز با موفقیت به پایان رسید ص ۳
- بازداشت کارگران شرکت کننده در اول مه ص ۵

ساعات پخش تلویزیون پرتو
۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ هر شب به وقت تهران
تکرار: روز بعد ۳ تا ۴ بعد از ظهر،
ماهواره هات برد، کانال ۶

توضیح سردبیر

سردبیری پرتو، دوره ای است. با تشکراز خالد حاج محمدی، انتشار پرتو در این دوره به عهده من است. رحمان حسین زاده

زنده باد سوسیالیسم

کارگران! ای گورکنان سرمایه! با سواره نظام به میدان بیاید!

حتی اگر ثابت کنید که بعلت محدودیت ذخائر کره زمین عده‌ای از آدمها باید بمیرند، این مردم بیگناه و مظلوم نیستند. کاندیداهای بهتری برای عید نامقدس قربان شما وجود دارد.

می‌گویند تقاضا برای ارزاق عمومی افزایش یافته است از جمله به این دلیل که تعداد زیادی هندی و چینی که قبلا، سال تا سال چشمشان هم به گوشت نمی‌افتاد حالا گوشت هم می‌خورند و می‌خورند! اینها با خجالت دارند می‌گویند نباید اجازه داده میشد دهقان چینی و هندی با تقاضای قاتقی برای نان به بازار بیاید! حال که کار از کار گذشته است بگذارید دست نامرئی بازار قیمت‌ها را بالا ببرد تا اقتصاد جهان به حال تعادل سابق خودش برگردد. اما برای اینکه شورش نشود سازمان ملل و کلیسا باید با صدقاتشان از درد جا انداختن این مفصل بکاهند!

می‌گویند بالا رفتن قیمت نفت و بکارگیری غلات بمنظور تولید سوخت جانشین، تقاضا برای غلات را افزایش داده، عرضه آن را بعنوان خوراک کاهش داده و قیمت‌ها را بالا برده است. آنها دارند می‌گویند سوخت و غذا آلت‌رناتیو همدیگرند. نمیشود تولید هر دو را بالا برد. ادامه سوزاندن نفت و ذغال سنگ کره زمین را نابود میکند و بکار بردن سوخت‌های سازگار با بقای کره زمین ساکنانش را. شاید در تولید سوخت اتمی از قوت لایموت مردم زیاده روی شده باشد، ولی چاره‌ای جز این نیست که بپذیریم که غذا در آینده گرانتر از آن حدی خواهد بود که همه استطاعت خرید آن را داشته باشند!

در کردانی و صحت نظرات کارشناسان امور اقتصادی در تحلیل عواملی که بر عرضه و تقاضای مواد غذایی تأثیر داشته‌اند تردید نمیتوان کرد. اما که گفته است که عرضه و تقاضای بازار باید حیات و ممات انسانها، بقای کره زمین و هر چه نام حیات دارد را رقم بزند؟ چرا هیچکدامشان

گرسنگی مسأله هیچکدامشان نیست، اما تحلیل علل گرسنگی مسأله‌شان شده است چرا که باید قبل از اینکه خود گرسنگان پاسخ صحیح به این چراها بیابند، قبل از اینکه آنها راه نجات را بر پرچم‌هایشان بنویسند، همزمان با آماده کردن پلیس و ارتش برای سرکوب اعتراضات، نخبگان جامعه، دانشگاهها، معلمان، مدارس، نمایندگان مجلس و مفسران سیاسی‌شان را از پیش به پاسخهایی برای تخطئه و محکوم کردن این اعتراضات مسلح کنند. باید با استدلال مردم را از دست زدن به اعتراض منصرف کرد، باید قانعشان کرد که رخ دادن این اتفاقات همانقدر طبیعی و خارج از اراده بشر است که خراب شدن شهرها بعلت زلزله و توفان. بالا و پایین رفتن و شکستن لایه‌های زمین زلزله می‌آفریند و بالا و پایین رفتن عرضه و تقاضا گرسنگی. زلزله زدگان علیه علل طبیعی زلزله دست به شورش بر نمیدارند، گرسنگان هم نباید چنین کنند. خیرات و مبرات راه مقابله با اثرات سوانح طبیعی است. این همه حرف آنهاست.

می‌گویند علت بالا رفتن تقاضا برای ارزاق عمومی افزایش جمعیت است! اینها تنها دانشمندانی هستند که امروز برای اولین بار متوجه این واقعیت شده‌اند که بشر هم زاد و ولد میکند و با یک ضرب و تقسیم ساده از صد سال پیش میشد دانست جمعیت کره زمین در سال ۲۰۰۸ چه خواهد بود و چقدر نان لازم دارد. کسی که جمعیت کره زمین را عامل گرسنگی میدانند، دارد خجولانه می‌گوید که راه چاره، کم کردن جمعیت است یعنی همان کار درست و نجات‌بخشی که گرسنگی و قحطی با کشتار جمعیت اضافی گرسنگان انجام میدهد. بیشری خاصی می‌خواهد که آدم به تولید تانک و بمب‌افکن بجای تراکتور و تلمبه آب اعتراضی نداشته باشد و بجای اعتراض به زیادی بودن کلاهی‌های هسته‌ای، آدمها را زیادی بدانند. جواب ما این است که

و اختراعات و اکتشافات و امکانات، این باید حال و روز بشر باشد؟ چرا میشود به کره ماه رفت، میشود زیر کانال مانس تونل زد، میشود از نیروی اتم برق گرفت، میشود آب شور دریا را شیرین کرد، اما نمیشود بر شوربختی و روزگار تلخ میلیارها انسان برای همیشه نقطه پایان گذاشت؟

این روزها در هر رادیو و تلویزیونی، مفسری، استاد دانشگاهی، سیاستمداری، کشیشی را میبینید که در حال پاسخ دادن به این سؤال است. همان کارخانه‌های حدادی افکار عمومی که کشتار مردم و بچه‌های بیگناه عراق و افغانستان و ویران کردن بیمارستانها، مراکز آبرسانی و برق و غیره آنها را با بمبهای فسفر و ناپالم بعنوان مانده آسمانی برای آزادی و دموکراسی به خورد شونده‌شان میدادند، حال برای اضافه شدن صدها میلیون نفر دیگر به جمع گرسنگان دل میسوزانند! آنها که میتوانند محکوم کردن مردم غزه را به گرسنگی و قحطی مسکوت بگذارند حال به صرافت تحلیل گرسنگی و قحطی در دنیا افتاده‌اند! چرا؟

در قریب ده کشور دنیا گرسنگان سر به شورش برداشته‌اند. حتی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول هم که خود موتور محرکه خلع ید و بیرون راندن همه ارگانهای دولتی و اجتماعی از عرصه تولید و اقتصاد، عامل حفته کردن گروگان گرفتن اعتبارات در تجارت و استقراض بین‌المللی بوده‌اند و با تعرضی‌ترین سیاستها اقتصادهای ملی را به ورطه بدهکاری های نجومی و ورشکستگی کشانده‌اند، همصدا با سازمان ملل به صدا در آمده‌اند و به خداوندان کره زمین هشدار میدهند که اگر کاری نکنند دستکم چهل کشور دنیا دچار شورش و طغیان مردم و بی‌ثباتی سیاسی خواهند شد.

اگر خطر خیزش مردم نبود، بحث و تحلیلی هم لازم نمی‌آمد. میشد گذاشت مثل همه سالهای پیشین گرسنگان در سکوت جان بدهند.

امسال سال ۲۰۰۸ است. دوپست سال از انقلاب صنعتی، اختراع و تولید اولین تراکتورها و ماشین آلات کشاورزی میگردد، سیصد سال از روزی که نیروی بخار به خدمت بشر در آمد، صد سال از اختراع موتور دیزل، ۸۰ سال از کشف پنیسلین، صد سال از کشف علت مالاریا و هفتاد سال از ساخته شدن داروی آن میگردد. اما برای اکثریت مردم کره زمین هیچیک از این اتفاقات نیفتاده است. مالاریا هر سال بیش از ۳ میلیون نفر را به دیار عدم میفرستد، و هر روز ۴۰ هزار نفر - هر روز! - از فرط گرسنگی جان میدهند. اکثریت قریب به اتفاق آنها که به این دلایل پوچ نمی‌میرند محکوم به اعمال شاقه برای بقای خویشند. ۲۵۰ میلیون کودک بین ۵ تا ۱۴ ساله مجبورند کار کنند. ۱۲۰ میلیون نفر از آنها کارشان تمام وقت است. بچه‌های چهار پنج ساله تا روزی ۱۶ ساعت، تا آنجا که رمق دارند برای زنده ماندن خود و زنده نگهداشتن پدر و مادر له و لورده شده‌شان جان میکنند. چهارصد میلیون بچه حتی به آب آشامیدنی غیر آلوده دسترسی ندارند. یک میلیون بچه را هر سال پشه مالاریا میکشد. سه و نیم میلیون بچه زیر ۱۵ سال ایدز دارند. به دست ۳۰۰ هزار نفرشان اسلحه داده‌اند و در ارتشهای واقعی به خدمت گرفته‌اند تا بکشند یا کشته شوند. بیش از یک میلیون و دوپست هزار بچه را هر سال مثل حیوانات می‌فروشند. یک میلیونشان را در "صنعت سکس" بکار می‌برند...

هر حیوانی بنا بر غریزه‌اش با چنگ و دندان از موجودیت و امنیت بچه‌هایش دفاع میکند. حیوانات وحشی قحطی زده و تشنه و گرسنه هم که نای ایستادن روی پاهای خودشان را ندارند شیرشان را از بچه‌هایشان دریغ نمیکنند. اگر سرنوشت بچه‌های آدم این باشد میشود فهمید که آدمهای غیر خردسال به چه حال و روز رقت‌آور و اسفناکی افتاده‌اند.

چرا؟ چرا در قرن بیست و یکم، با این پشتوانه عظیم از علم و صنعت

گردانندگان نیروگاههای هسته ای آن سر دنیا را به کارگران مزدبگیر تبدیل کرده است. صاحبان وسایل تولید که هر چه تولید میشود به تملک آنان در میآید دیگر هیچ نقشی در تولید و هیچ بهانه ای برای سهم بردن از محصول تولید ندارند. ثروت دسترنج مزدبگیران و بهرمندی از همه آن حق مسلم آنهاست.

کارگران ناجیان بشریت اند. نه به این خاطر که از همه مظلوم ترند، نه به این خاطر که از همه فقیرترند، نه این دلیل که از همه بیمارتر و گرسنه ترند بلکه به این خاطر که شیشه عمر و خرخره این نظام استثمارگر و وارونه در دست پر توان آنهاست. وقتی کارگران اراده کنند جهان از حرکت میایستد، آتش جهنم خاموش میشود، ببنوایان به نوا، گرسنگان به غذا و استثمارگران جنایتکار به سزای خود میرسند.

کارگران!

شورش گرسنگان، خطر طغیان مردم در همه کشورهای دنیا در اعتراض به گرانی و کمیابی مواد غذایی بیش از آنکه طلب صدقه از حکام جهان باشد اعلام آمادگی میلیونها انسان ستمکش و محروم به شرکت جانبازانه در نبرد نهایی و در خواست نواختن شیپور انقلاب از سوی شما برای سرنگونی آنهاست. اگر صدای همههمه طلایه داران سپاه شما اینچنین دولتها و حکام جهان را به وحشت میاندازد وقت آنست که با سواره نظام لشکر میلیاردری خود و با تمام تجهیزات به میدان بیایید و پیش از آنکه این نظام جهنمی نسل بشر و این تنها سیاره زنده در کائنات را به نیستی بکشاند آن را به گورستان تاریخ بسپارید.

زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر! زنده باد انقلاب!
رادیو صدای زنان
به مناسبت اول مه ۲۰۰۸

میشود با همان پول کازینوی دیگری در لاس وگاس یا استکهلم برپا کرد.

در مذهب اینان دارایی و مالکیت خصوصی مقدس ترین مقدسات است. احکام تیرباران بیدرنگ گرسنگانی که به سیلوی غله یا فروشگاههای مواد غذایی حمله ور شوند و احکام زندان کسانی که بدون اجازه و پرداخت حق امتیاز کمپانی دارو سازی به تولید دارو و مداوای حتی مجانی بیماران اقدام کنند از پیش در قوانین همه کشورها صادر شده است. دولت دولت آنها، پلیس پلیس آنها، مجلس مجلس آنها و دادگاه دادگاه آنهاست و برای ما اکثریت مردم کره زمین فقط دو راه فردی باقی میماند: یا مرگ از گرسنگی یا بردگی مزدی برای صاحبان بی رحم و سودپرست و تا دندان مسلح ابزار و وسائل تولید.

اما بر خلاف دوران برده داری اکثریت مردم کره زمین دارایی برده داران نیستند. آنها خوب میفهمند که اگر قیمت علوفه و خوراک دام افزایش پیدا کند گاو دار باید برای تولید همانقدر شیر پول بیشتری به مصرف تغذیه گاوها برساند و حق دارد قیمت بالاتری برای شیر از صاحب کارخانه شیر پاسوریزه مطالبه کند. اما گاو دارایی آنها است، مقدس است. هیچ گاوی برای دسترسی به همان غذایی که دیروز میخورد نیازمند تظاهرات و شورش و سینه سپر کردن در مقابل گلوله های پلیس نیست. برای بردگان مزدی اما این صادق نیست. از نظر اقتصاد بازار انسانهایی که حیاتشان مقرون به سود و صرفه نیست باید بمیرند و اگر خودشان علیرغم این حکم اقتصاد بازار میخوانند زنده بمانند خودشان مسئولند...

تنها نیاز بشری که این نظام جهنمی و ضد بشری به بهترین و موثرترین شکل ممکن به آن پاسخ میدهد تولید گورکنان خویش است. این نظام از چوپانان نپال تا

درمان ندارند، آنها که شبها را در زیر کارتن ها به صبح میرسند تقاضای مسکن ندارند. چرا که برای این نظام تقاضایی که نتواند بر حسب دلار و پول بیان شود تقاضا بحساب نمیآید...

در این نظام اقتصادی "تقاضا" با پول بیان میشود.



این دخترک بنا بر این هیچ تقاضایی ندارد!

و "تولید کننده" در این نظام، یعنی صاحب ابزار تولید که به این مناسبت هر چه دیگران بکمک ابزارهای او تولید میکنند را صاحب میشود و به بازار عرضه میکند، آن کس که به تقاضای بازار، و به روایت اینان، به تقاضای جامعه با عرضه کالاها و خدمات پاسخ میدهد اقلیت بینهایت کوچکی از جمعیت ۶ میلیاردی جهان است که تنها و تنها بشرط سود وارد میدان میشود. هر کجا که سود بیشتر باشد محل سرمایه گذاری های بیشتر او است. نتیجه این که امروز تولید و تجارت تسلیحات و مهمات برای جنگ و ویرانگری و کشتار، تجارت زنان و کودکان در صنعت سکس و تولید و توزیع مواد مخدر بزرگترین و پر رونق ترین شاخه های اقتصاد جهانند. سرمایه گذاری برای مداوای میلیونها کودک مبتلا به ایدز حماقت محض است وقتی که

قادر متعال بودن خدای بازار را زیر سؤال نمی کشند؟

چرا مردم دنیا نمیتوانند درباره اینکه چه باید تولید کنند، چقدر باید تولید کنند، چقدر باید محصولات را بدست چه کسانی برسانند مثل آدم تصمیم بگیرند و تصمیماتشان را عملی کنند؟ چرا بشر از انجام کار نقشه مندی که از عهده مورچگان بر میآید ناتوان است؟ چرا اراده آگاهانه انسانهای مرئی جای دستهای نامرئی، کور، آدمکش و ویرانگر بازار را نمیگیرد؟

اینها سوالاتی است که نباید - بخصوص در بین گرسنگان - مطرح شود؛ سوالاتی که دوپست سال است طبقه کارگر به آنها پاسخ داده است:

برای آنکه جامعه بتواند آنچه را که نیاز دارد تولید کند باید ابزارهای تولید را در تملک خود داشته باشد.

میگویند سرمایه داری مبتنی بر اقتصاد بازار ثابت کرده که بهترین و کارآمدترین شیوه تولید و توزیع است. میگویند نیازهای جامعه خود را در تقاضا برای کالاها و خدمات مختلف بیان میکند و تولید کننده هم - هر کس و هر نهادی از جامعه که باشد - جز از راه پاسخگویی به تقاضاهای بازار امکان بقاء پیدا نمیکند. میگویند رقابت بین تولید کنندگان به این صورت باعث ارزانی، فراوانی و بهتر شدن دائمی هر چیزی است که به بازار عرضه میشود...

اگر این ادعا صحیح باشد که تقاضا در بازار بیان نیاز و تقاضای جامعه است، آنگاه باید ببینیم که بشر امروز بیشتر از نان به بمب و فشنگ، بیشتر تراکتور به تانک و بمب افکن، بیشتر از مدرسه به فاحشه خانه، بیشتر از کتاب درسی به پورنوگرافی، بیشتر از دارو به مواد مخدر نیاز دارد. اگر چنین باشد، گرسنگان فقیر تقاضای نان ندارند، میلیونها کودک مبتلا به ایدز در آفریقا تقاضای دوا و

تحصن دانشجویان دانشگاه سهند تبریز با موفقیت به پایان رسید

تجمع دانشجویان دانشگاه سهند تبریز با تحقق اکثر خواسته های دانشجویان پایان یافت. دانشجویان این دانشگاه روز گذشته با صدور اطلاعیه بی اعلام کردند از 5 بند مطالبات آنان، چهار بند مبنی بر عذرخواهی دکتر قالیچی معاونت آموزشی دانشگاه از جمع سی نفره دانشجویان فعال، بررسی مسائل و احکام کمیته های انضباطی در کمیته تجدید نظر با حضور نمایندگان منتخب دانشجویان طی هفته آینده، عدم تفکیک جنسیتی و عدم تبعیض در فعالیت های فرهنگی میان تشکل ها در موارد مربوط به امور فرهنگی، محقق شد. براساس این اطلاعیه تنها برکناری دکتر زاهد معاونت دانشجویی فرهنگی به ماه های آینده موکول شد و همچنین دانشگاه اختیار تعویض حسینی ریاست حراست را ندارد. دانشگاه های خواجه نصیرالدین طوسی، تربیت معلم تهران، شیراز، سیستان و بلوچستان، آزاد تبریز، سمنان، تربیت معلم تبریز و دانشگاه تبریز دیروز در بیانیه های جداگانه پی از اقدام دانشجویان دانشگاه سهند تبریز به طور رسمی حمایت کردند.

اول مه در شهرهای ایران

شوش

کارگران نیشکر هفت تپه با موفقیت تمام مراسم اول ماه مه را بصورت مستقلانه به اجرا درآوردند. تجمع گسترده کارگران در محوطه شرکت، با خواندن بیانیه کارگران بمناسبت روز جهانی کارگر توسط یکی از فعالین کارگری آغاز گردید. سپس یکی دیگر از فعالین کارگری در باره تاریخچه روز جهانی کارگر و شرایط طاقت فرسای حاکم بر کارگران این شرکت و ایران شروع به سخنرانی نمود. این فعال کارگری در ادامه سخنرانی خود در باره راه حلها و بیرون آمدن از این شرایط پرداخت که با تشویق و دست زدنهای ممتد کارگران توأم بود. در پایین سخنرانی مراسم به صورت پرسش و پاسخ ادامه یافت. این مراسم چندین ساعت ادامه یافت. اتحادیه آزاد کارگران ایران

تهران

برای جلوگیری از مراسم اول ماه مه در پارک چیتگر بیش از هزار نفر از نیروهای امنیتی و انتظامی این پارک را به کنترل خود در آوردند

صبح امروز ۱۲ اردیبهشت، هزاران کارگر بنا بر سنت هر ساله که طی آن در آخرین جمعه قبل از اول مه در آبخور این روز را گرامی میداشتند عازم پارک چیتگر شدند تا با گرامی داشت اول ماه مه به استقبال این روز بروند. اما از اولین ساعات صبح امروز نیروهای امنیتی شامل نیروهای یگان ویژه، صدها موتور سوار با تجهیزات کامل و نیروهای انتظامی و اطلاعاتی تمامی دربهای ورودی پارک را بسته و به اتوبوسها و مینی بوسهای حامل کارگران اجازه ورود به پارک را نمیدادند. با اینحال جمعهایی از کارگران با پای پیاده و از نقاط مختلف وارد پارک شدند، اما در داخل پارک نیز نیروهای امنیتی و یگان موتور سوار با تجهیزات کامل حضور پیدا کرده و بطور مرتب در داخل پارک جمعیت را تحت نظارت داشتند. بدنبال این وضعیت جمعهایی از کارگران عازم پارک جهان نما در کرج شدند. همزمان با جمع شدن صدها کارگر در این پارک، نیروهای انتظامی و امنیتی نیز بصورت گسترده ای حضور یافته و از برگزاری مراسم اول مه توسط کارگران و خانواده هایشان ممانعت به عمل آوردند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

لازم به تذکر است که امسال خانه کارگر از ترس حضور کارگران و تبدیل مراسم دولتی به اعتراض طبقاتی که نمونه آن سالهای قبل اتفاق افتاد، دچار سردرگمی و دستپاچگی شد و نهایتاً در بعضی از شهرها و از جمله تهران به برپایی نمایشگاهی در سالن های کوچک و در محاصره

کردند. این مراسم به دلیل تدابیر امنیتی زیاد که در شهر نیروهای رژیم ایجاد کرده بودند، در حومه شهر کامیاران برگزار شد.

مراسم با خواندن سرود انترناسیونال شروع شد و با بیان تاریخچه اول ماه مه از طرف یکی از دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب ادامه پیدا کرد. این برنامه با خواندن مقاله، بیانیه و قطعنامه مراسم و شعر نیز همراه بود و با پذیرایی مختصر به پایان رسید.

مریوان

علیرغم فضای سرکوب و خفقانی که نیروهای سرکوبگر رژیم امروز در شهر مریوان بخصوص در رابطه با اعتصاب و تجمع اعتراضی معلمان ایجاد کرده بودند امروز در



ساعت ۷ بعد از ظهر فعالین کارگری در سبزه میدان شهر مریوان روز اول مه روز جهانی کارگر را جشن گرفتند. روز قبل فعالین کارگری در محلات زیادی از شهر مریوان اقدام به پخش شیرینی در میان مردم کرده و این روز را به همه کارگران و ساکنین محلات زحمتکش نشین تبریک گفتند که در ادامه این اقدامات امروز در ساعت ۷ بعد از ظهر در یکی از نقاط پر جمعیت شهر بنام سبزه میدان اقدام به برگزاری این جشن کردند.

مراسم با نصب پلاکاردی ۶ متری که بر روی آن نوشته شده بود کارگران جهان متحد شوید شروع شد و همزمان با کف زدن حاضرین و دادن شعار پیروز باد اول مه روز جهانی کارگر ادامه یافت. بسرعت صدها نفر در اطراف مراسم جمع شدند.

شرکت کنندگان با شادی و سرور و پخش شیرینی با هم در مورد این روز و اهمیت آن به بحث و تبادل نظر پرداختند و قطعنامه ای را که به مناسبت این روز جهانی کارگر تهیه شده بود در میان مردم پخش کرده و سپس مراسم را به پایان رساندند.

مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

لازم به توضیح است که در جریان مراسم های بزرگداشت اول مه در شهرهای ایران تعدادی از فعالین کارگری دستگیر شدند. اسامی بخشی از این کارگران در اطلاعیه انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق بشر ایران آمده است. آزادی کارگران خواست فوری طبقه کارگر است. ص ۵

پلیس و لباس شخصی ها اقدام کرد. در یکی از این نمایش های دولتی در تهران، در سالن ورزشی خیر العمل، کارگران علیه گرانی و تورم و علیه دولت شعار دادند. با توجه به کنترل شدید مراسم بعد از سخنرانی محبوب به نشانه اعتراض دو سوم جمعیت سالن را ترک کردند. در هنگام سخنرانی محبوب بعضی ناسزا و عده ای به نشانه اعتراض کف می زدند. بعد از خروج از سالن و اتمام مراسم، جمعیت می خواستند دست به راهپیمایی بزنند اما گروههایی زیادی از نیروی انتظامی، گروههای ضربت، یگانهای ویژه با چوب و چماق جلوی در ایستاده و از راهپیمایی مردم جلوگیری می کردند. قبل از اتمام مراسم به تعدادی از کارگران هدایایی داده شد! که بعد از خروج از سالن ماموران می گفتند: در داخل کادو می دهیم و در بیرون چوب و چماق!

شعارهای کارگران عبارت بودند از: "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "کار قراردادی ملغی باید گردد"، "نظام برده داری محکوم است".

سنندج

امروز ۱۲ اردیبهشت به دعوت کمیته برگزار کننده اول ماه مه در سنندج، مراسمی با شکوهی برگزار شد.

علیرغم فضای اختناق و سرکوب و بستن همه راه ها برای برپایی مراسم و تجمع های کارگران در اول ماه مه کارگران و فعالین مراسم روز جهانی کارگر، تجمع خود را به این مناسبت در سنندج برگزار کردند.

ساعت ۱۰ صبح امروز کارگران در جلوی اداره تامین اجتماعی شماره ۲ سنندج در چهار راه انقلاب (سیروس سابق) جایی که بسیاری از مردم زحمتکش در آنجا برای امرامعاش حضور داشتند تجمع کردند. عزم ازادیخواهی و برابری طلبی همراه با پلاکاردها فضا را در این مدت تجمع بسیار با شکوه کرده بود. رویپلاکارد ها این شعارها و خواستها نوشته شده بودند: "کارگران جهان متحد شوید"، "الغو قرار داد های موقت و سفید"، "شیت آمانی آزاد باید گردد"، "آزادی برابری"، ایجاد تشکل مستقل کارگری" کمیته برگزار کننده مراسم با کاردانی و هوشیاری توانست مراسم را در محل مورد نظرو درمیان مردم برگزار کند. تجمع کنندگان که حدود ۲۰۰ نفر بودند تحت فشار شدید نیروهای انتظامی قرار داشتند. رژیم هم با اعلام برخورد شدید با تجمع کنندگان هم مرتباً بر فضای رعب دامن میزد. بعد از شروع مراسم یکی از کارگران در مورد اول ماه مه سخنرانی کرد و بعد قطعنامه کمیته برگزار کننده مراسم قرائت شد.

کامیاران

مراسم به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر در تاریخ پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت ۸۷ بدعوت کمیته برگزار کننده روز کارگر کامیاران در ساعت ۳ و ۳۰ دقیقه برگزار شد و تا ۵ بعد از ظهر ادامه داشت. با همه محدودیت های که ایجاد شده بود قریب به ۲۰۰ نفر در آن شرکت

دهها هزار نفر در تظاهراتهای اول ماه مه در کشورهای اروپایی شرکت کردند

ناهنجار عراق را که در نتیجه جنگ و اشغالگری بر این کشور مستولی بر این کشور را تصویر و راه برون رفت از نیز بیان کردند.

حزب حکمتیست علاوه بر این در بعضی از کشورها به مناسبت اول مه جشنهایی را بر پا کرد و در این مراسم و جشنها کادرهای حزب برای حاضرین سخنرانی کردند، از جمله در لندن سعید آرمان، نوری بشیر و آسو کمال بترتیب از جانب حزب حکمتیست و حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری کردستان سخنان کوتاهی ایراد کردند و در هلند نیز طی مراسم مشترکی با حزب کمونیست کارگری عراق، فاطمه اقدامی مسئول تشکیلات هلند حزب حکمتیست پیام حزب به مناسبت اول مه را قرائت و از جانب حزب کمونیست کارگری عراق سخنرانی کردند. در لندن و استکهلم تلویزیون پرتو برای تهیه رپورتاژ و مصاحبه با شرکت کنندگان در محل تجمع حضور داشتند و با تعداد قابل توجهی از حاضرین و تعدادی از رهبران حزب و فعالین و اعضای حزب حکمتیست و غیره، در حین راهپیمایی مصاحبه بعمل آورد و در هلسنکی روزنامه پر تیراژ هلسنکی سانومات با جمال صالح کادر حزب کمونیست کارگری عراق مصاحبه‌ای در مورد اوضاع عراق بعمل آورد.

زنده باد اول مه

تشکیلات خارج حزب کمونیست

کارگری ایران- حکمتیست

۴م ۲۰۰۸

مردم حاضر در محل را وسیعاً به خود جلب نمود و به این صورت اول مه در خارج کشور به افشای توحش حاکم بر ایران بویژه بربریتی که توسط بورژوازی و دولت اسلامی آن بر میلیونها کارگر و به ویژه فعالین کارگری اعمال میشود، تبدیل شد.

در استکهلم و گوتنبرگ و هلسنکی و هامبورگ نیز هزاران نفر در



خیابانهای شهر براه افتادند و شعار سر میدادند که فعالین حزب حکمتیست علیرغم حضور در راهپیمایی، چادرهای اطلاعاتی را در محل برگزاری تظاهرات برپا کردند و کادرها و فعالین حزب با مراجعین به بحث و تبادل نظر پرداخته و اطلاعیه‌های حزب را در میان مردم توزیع و ادبیات حزب را در دسترس مردم قرار دادند. در هلسنکی و لندن رفقای حزب کمونیست کارگری عراق (جمال صالح و آسو کمال) به سخنرانی پرداخته و اوضاع

کنندگان و نمایندگان اتحادیه‌ها و احزاب مشهود بود.

در شهرهای لندن، اسلو، هلسنکی، هامبورگ، استکهلم، گوتنبرگ و غیره هزاران نفر با حمل پرچمهای رنگارنگ که عمدتاً اتحادیه‌های کارگری و احزاب چپ را نمایندگی میکردند، در حین حرکت در خیابانهای پر تردد شهرها شعارهای متنوعی را بویژه زنده

اول ماه مه روز جهانی کارگر شاهد راهپیمایی دهها هزاران نفر در خیابانهای مرکزی شهرهای عمده اروپا بود. از لندن تا استکهلم و گوتنبرگ و لئو لئو، تا هلسنکی پایتخت فنلاند و هامبورگ شهر بندری آلمان و سایر شهرهای دیگر این کشور، از اسلو و استانبول تا شهرهای هلند و دانمارک تا سایر کشورهای آسیا و خاورمیانه تفاوتهای کاذب تقسیم طبقه کارگر را به دارندگان مذاهب مختلف، رنگ پوست و نژاد و ملیت را حقیر شمردند و بمیدان آمدند تا یکصدا روز بین المللی انسان کارکن و گورکنان سرمایه را جشن بگیرند.

اول مه امسال طبقه کارگر جهانی در شرایطی روز جهانی خود را جشن گرفت و بمیدان آمدند که طبقه کارگر جهانی کماکان بار استثمار وحشیانه نظام ضد بشری سرمایه‌داری بر کرده‌اش سنگینی میکند و بطور اعجاب آوری گرانی مواد غذایی میلیونها خانواده زیر خط فقر را در تنگنا قرار داده است و دول امپریالیستی کماکان در فکر سودآوری خود در مقیاس نجومی هستند و جنگ و تروریسم عریان دولتی و اسلامی بیش از پیش بر جهان گسترده‌تر شده است.

روز جهانی کارگر امسال رنگ فشاری که در نتیجه جنگ و ناامنی و گرانی در اثر بالا رفتن سرسام آور قیمت اجناس که به طبقه کارگر در سراسر جهان تحمیل شده است، را بر خود داشت و در شعارها و سخنرانیهای شرکت

باد اول مه روز اتحاد بین المللی کارگران، زنده باد سوسیالیسم، زنده باد حکومت کارگری، تکرار میکردند. در طول مسیر فعالین حزب حکمتیست همراه با حزب کمونیست کارگری عراق با حمل بانرهای متنوع بزرگ از جمله: "شلاق زدن کارگران توسط جمهوری اسلامی محکوم است"، "زنده باد اول مه و زنده باد سوسیالیسم"، "اسانلو آزاد باید گردد"، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد"، همراه با پرچمهای حزب توجه تعداد زیادی از خبرنگاران و

بازداشت کارگران شرکت کننده در اول مه

اطلاعیه

طبق گزارش فعالین انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق بشر ایران امروز تعدادی از برگزارکنندگان مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر در سنندج و دیگر شهرهای ایران توسط نیروهای امنیتی انتظامی جمهوری اسلامی دستگیر شده اند.

مراسم روز جهانی در مقابل ساختمان تامین اجتماعی مرکز شهر سنندج خیابان انقلاب (سیروس سابق) توسط کارگران برگزار گردید. پس از برگزاری تعدادی از فعالین کارگری و سازمان دهندگان اول ماه مه توسط نیروهای امنیتی دستگیر و روانه زندان شدند.

اسامی بازداشت شده گاه به شرح ذیل است:

۱- صلاح زمانی کارگر کاشی کار و ساختمان سازی. عضو کانون دفاع از حقوق کودکان است که در مراسم هشت مارس ۱۳۸۵ بار دیگر دستگیر و به

مدت چند ماه تحت شکنجه و زندانی گردید.

۲- شیوا خیرآبادی

۳- عبدالله نجار فعال کارگری و از دستگیر شده گان اول ماه مه ۱۳۶۷

سنندج است

۴- غالب حسینی

۵- علی حسینی

۶- بهالالدین صدوقی

۷- سوسن رازانی

همچنین طبق گزارش اتحادیه کارگران آزاد ایران دونفر از برگزار کنندگان اول ماه مه در منطقه صنعتی عسلویه بازداشت شده اند.

۱- جوانمیر مرادی

۲- طه آزادی

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق بشر ایران

۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۷

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی

در هفته حکمت چه باید کرد؟

رحمان حسین زاده

از ادبیات حکمت را پخش کنند. در خارج کشور بسیاری کارها میتواند در دستور کار قرار بگیرد. سمینارها، میزگردها، جلسات بازخوانی حکمت، تکثیر و پخش کتابها و جزوات و مطالبی از حکمت، نوشتن برای نشریات و سایتها به زبان فارسی و زبانهای دیگر از این نوع کارها است.

طبعاً تشکیلاتهای حزب حکمتیست در داخل و خارج کشور در این چارچوب و به این مناسبت، پیشرو ابتکار لازم خواهند بود. اما توجه به دو نکته را باید تاکید کرد. اولاً هفته حکمت به همه دوستداران و علاقمندان و کسانی که تمایل دارند او را بشناسند متعلق است و نه فقط صفوف حزب حکمتیست. در اقدامات پیش رو باید کاری کرد کل این طیف وسیع را به حرکت شناخت و شناساندن حکمت به جامعه جلب کرد. دوماً باید مواظب بود که طبق یک عادت موجود، هفته حکمت به اکسیون و مراسم تقلیل پیدا نکند. طبعاً در مواردی مراسم بزرگداشت حکمت میتواند موضوعیت داشته باشد به نحوی که جزوی از مجموعه فعالیتها باشد که به آن اشاره کردیم و نه تنها مورد آن.

در خاتمه باید بگویم، اگر دنیا وارونه نبود و اگر رسانه ها تابع حقیقت بودند، در هفته حکمت و در شناساندن منصور حکمت و افکار و سیاست و پراتیک و تصمیمات بزرگ وی نمی بایست ذره ای دریغ میکردند. ما میدانیم در دنیای وارونه و میدیای مبلغ این وارونگی پرچمداران حقیقت و انسانیت و رهبرانی چون منصور حکمت را آگاهانه سانسور میکنند. هفته حکمت در تقابل با این سانسور وسیع میخاهد حکمت را بشناساند و سهمی ادا کند. دوستداران حکمت با تلاش گسترده میتوانند مبتکر اینکار باشند. کاری کنیم که در پایان هفته حکمت تعداد زیادی با حکمت و کمونیسم و انسانیتش آشنا شوند. حول سیاستها و اهداف رهبر برجسته کمونیسم معاصر متحد شوند.

معاصر آزادیخواهی و برابری طلبی را به جامعه معرفی کند. هر دوستدار منصور حکمت لازم است محیط دور و بر خود را با حکمت آشنا کند. جامعه تشنه آزادی فکر و سیاست و آلترناتیوهای حکمت را لازم دارد. انسان خواستار رهایی، کارگر ضد استثمار، زن خواستار برابری، جوان خواهان سعادت و شادی و آینده بهتر، جنبش حقوق کودک و دریک



کلام جامعه عاری از هر نوع ستم و تبعیض، به سیاست و پراتیک درخشان منصور حکمت نیازمند است. حاصل 25 سال زندگی سیاسی حکمت را باید قابل دسترس کرد. هر کس به سهم خود میتواند کاری بکند. میدانم محدودیتهای تحمیلی جمهوری اسلامی دامنه عمل اقدامات مورد نظر هر کسی را در داخل محدود میکند. با وجود این بسیاری کارها شدنی است. یک دوستدار حکمت در داخل کشور میتواند با اولین جمع دوستداران حکمت آشنا و مورد اعتماد خود قول و قرار بگذارد، مطالبی را از او بازخوانی کنند. به سخنرانیهایی از او گوش دهند. مقاطع برجسته و دگرگونسازی را از حیات سیاسی او مورد بررسی قرار دهند. پوستر هفته حکمت و تراکت دو گفته مشهور او و سی دی و جزواتی

هفته حکمت نزدیک است. هفته ای که با روز تولد منصور حکمت مارکسیست و متفکر برجسته دوره معاصر آغاز میشود. فاصله ۲۲-۱۵ خرداد، (۱۱-۴ ژوئن) هر ساله، فرصتی برای معرفی افکار، تئوریهها و سیاستها و شخصیت و پراتیک انقلابی این رهبر برجسته جنبش کمونیستی و جنبش بازگرداندن اختیاریه انسان است.

هفته حکمت فرصتی برای مراجعه، بازخوانی و شناخت بیشتر از او و شناساندن گسترده منصور حکمت به جامعه است. اینکار دست همه دوستداران حکمت در داخل ایران و خارج کشور را میبوسد.

کمونیسم منصور حکمت به عنوان نقد مارکسیستی اواخر قرن بیستم لازمست وسیعاً اشاعه پیدا کند. برای زیرو رو کردن دنیای وارونه سرمایه داری جامعه انسانی به این نقد و خط مشی سیاسی نیاز دارد. نظم گنبدیده سرمایه و مناسبات ظالمانه و استثمارگر آن کارگر و انسان تحت ستم امروز را هر روزه در چنگال خود میفشارد. ابعاد فقر و گرسنگی و بی مسکنی و بی درمانی هر ساله در ابعاد میلیونی به حیات انسان خاتمه میدهد. کشتارهای قومی و مذهبی و سناریوهای سیاه نظم نوینی بیش از هر زمانی استیصال و بی ارادگی را بر جامعه بشری تحمیل کرده است. تغییر این وضعیت انقلاب کارگری دیگری مشابه انقلاب اکتبر 1917 را می طلبد. اگر انقلاب کارگری اکتبر در اوایل قرن بیستم به لنین و لنینیسم نیازمند بود، انقلاب کارگری در اوایل قرن بیست و یکم هم به حکمت و حکمتیسم نیازمند است.

دوستداران حکمت لازمست مبتکر و پیشقدم اشاعه این نقد و سیاست زیر و رو کننده به درون جامعه باشند. هفته حکمت به سهم خود مقطع فعالیت و ابتکارات فشرده ایست که میخاهد افکار، سیاست، انسانگرایی عمیق و تصمیمات سرنوشت ساز این رهبر تاریخ

تجمع بمناسبت روز معلم

۱۲ ادربیهشت، معلمان در بسیاری از شهرهای ایران از جمله سندانج، کرمانشاه، اردبیل، خمینی شهر، مریوان و ... به مناسبت روز معلم دست به تجمع زدند و بر خواست و مطالباتشان تاکید کردند.

معلمان در این روز سر کلاسهای درس حاضر نشده و در مقابل ادارات آموزش و پرورش دست به اعتراض زده و خواستار برآورد شدن مطالبات خود شدند. معلمان با خود پلاکاردهایی را حمل میکردند که روی آن نوشته بودند معلمان زندانی آزاد باید گردند، جای معلمان کلاس درس است، معیشت، منزلت حق مسلم ماست، ما زنان فرهنگی خواهان حقوق برابر با مردان هستیم و نظام هماهنگ اجرا باید گردد. معلمان در تجمعات خود، خواستهایشان را

نمی شود؟"

"...ضمن یادآوری یاد دوستان در تبعیدمان آقایان «پیمان نودینیان» و «اسکندر لطفی» و سایر دوستانی که در سراسر کشور با احکام تلخ تبعید، تعلق و زندان مواجه شده اند و با تاکید دوباره بر محکوم کردن برخورد قضایی و امنیتی با اعتراضات صنفی؛ نگرانی عمیق و آزردهی شدید خود را از صدور حکم اعدام برای همکار عزیزمان آقای «فرزاد کمانگر» عضو هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان استان کردستان شاخه کامپاران ابراز داشته و با محکوم کردن صدور چنین حکم ناعادلانه ای، او را به گواه سالها خدمت صادقانه اش در آموزش و پرورش شایسته تقدیر و صدرنشینی دانسته و مطالبه آزادی و بازگشت این همکار شجاع را به خانواده آموزش و پرورش حق مسلم خویش می دانیم."

بصورت بیانیه و قطعنامه قرائت کرده و به اطلاع رسانند. در بخشی از بیانیه انجمن صنفی معلمان استان کردستان چنین آمده است: "... مسئولان همچون روال سالیان اخیر، نمایش تلخ و کسالت آور «پرداخت مطالبات میلیاردری فرهنگیان» را به راه انداخته اند. ظاهراً سیاست «از این ستون تا آن ستون فرج است» به سیاست حاکم در حوزه آموزش و پرورش بدل شده است و توهم این که «دروغ تا بزرگتر، باور آن آسانتر»، موجب شده است هر سال با نزدیک شدن به هفته معلم، بازار وعده وعیدهای میلیاردی گرم شود. چنین سیاستی نه تنها به بلندتر شدن دیوار بی اعتمادی میان معلمان و مسئولان دامن می زند، بلکه با توجه به تکراری بودن آن، اعتبار خویش را نزد سایر اقشار مردم نیز از دست داده است. مردم نیز اینک همچون معلمان می پرسند اگر این وعده ها حقیقت دارد چرا این چاه «ویل» هیچگاه پر